Vol. 13 | No. 3429 | Wed. Oct 7 . 2026 | چهارشنبه ۱۵ مهر ۱۴۰۵ | ۲۵ ربیع‌الثانی ۱۴۴۸ | سال سیزدهم | شماره ۳۴۲۹ | ۸ صفحه | قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

WWW.TAADOLNEWSPAPER.IR

تعادل
نیاز اقتصاد ایران

دلار	یورو	تمام‌سکه	شاخص بورس
--	--	--	--

کارنامه ۶ ماهه خودروسازان
از تداوم فشار بر سمت عرضه حکایت دارد

عقب‌نشینی خودروسازان در نیمه اول

صفحه ۷

چرا نرخ ارز در اقتصاد ایران جهش می‌کند؟

دلار فراتر از تورم

صفحه ۲

«تعادل» روند معاملات بازار سهام را بررسی می‌کند

یک قدم تا شاخص ۸ میلیونی

شاخص کل بورس تنها یک قدم تا ورود به محدوده ۸ میلیون واحدی فاصله دارد و اگر امروز محدودیت خاصی جلودار بازار نشود احتمالا در همان ساعات اولیه شاخص عدد ۸ میلیونی را لمس کند؛ اما یک مساله اساسی وجود دارد؛ آن هم مقاومت شاخص در ورود به محدوده‌های جدید است. همواره شاخص کل بورس تهران در هنگام ورود به محدودیت‌های جدید با مقاومت‌هایی خاص روبه‌رو می‌شود و اکنون نیز به عقیده بسیاری احتمالا شاخص بورس در هنگام ورود به محدوده جدید با مقاومت روبه‌رو خواهد شد. بازار سهام و حتی بازارهای موازی آن طی هفته اخیر روزهای خوبی را تجربه کردند و هر یک توانستند عددهای جدیدی را به عنوان رکورد ثبت کنند؛ اما مساله اساسی اینجاست که بورس تهران برخلاف سایر بازارها در این میان با خروج نقدینگی نیز مواجه شده است. در اصل سایر بازارها خصوصا بازار ارز با فروش ارز سهمیه‌ای شاهد افزایش ورود نقدینگی به این بازار هستیم و در مقایسه بورس در برخی روزها با کمبود و خروج نقدینگی مواجه است. همین عوامل و مقاومت شاخص، همچنین ریسک‌های موجود دست به دست هم می‌دهد تا شاخص در رسیدن به عدد ۸ میلیونی کمی مقاومت نشان دهد. البته ممکن است شاخص طی روز جاری با سرعت قابل توجهی وارد محدوده جدید شود و به نوعی تمامی سناریوها را پشت سر بگذارد. برخی کارشناسان عقیده دارند که این رشد بازار ناشی از شروع انتشار گزارش مالی شرکت‌هاست و با افزایش انتشار گزارش‌های مالی شاهد رشد بیشتر بازار خواهیم بود. در اصل این موضوع بدان معناست که بسیاری از شرکت‌ها با انتشار صورت مالی جدید خود نشان دادند که بسیار ارزنده هستند و این ارزندگی ادامه‌دار خواهند بود و در نهایت سرمایه‌گذاری در این سهام و شرکت‌ها می‌تواند برای سهامداران سودهای قابل توجهی به همراه داشته باشد.

بورس تهران طی روز سه شنبه نیز در ادامه روند صعودی روزهای اخیر، شاهد برتری محسوس تقاضا بر عرضه بود؛ به‌طوری که بخش عمده نمادهای بازار در محدوده مثبت معامله شدند و تعداد صف‌های خرید فاصله قابل توجهی با صف‌های فروش داشت. در چنین شرایطی، شاخص‌های اصلی بازار نیز رشد بیش از ۲ درصدی را تجربه کردند و شاخص کل در یک قدمی کانال ۸ میلیون واحد قرار گرفت. شاخص کل بورس در جریان معاملات چهارمین روز کاری هفته یعنی سه شنبه با رشد ۱۸۷ هزار و ۲۶۹ واحدی، معادل ۲.۴ درصد افزایش یافت... صفحه ۴ را بخوانید

یادداشت-۱

ضرورت حمایت مستقیم از سفره خانوار



حمیدحاج‌اسماعیلی

رییس جمهور پس از طرح ایده تثبیت قیمت کالاهای اساسی، کمیته‌ای هفت‌نفره با حضور شماری از وزیران، از جمله وزیران کار، صمت و جهاد کشاورزی و همچنین شهردار تهران تشکیل داده است تا زمینه اجرای این سیاست را در گستره کشور فراهم کند.

بر اساس برنامه اعلام شده، قرار است قیمت ۱۲ قلم کالای اساسی برای شش ماه ثابت بماند و در ادامه شمار اقلام مشمول طرح به ۱۵ قلم افزایش یابد. این طرح در شرایطی دنبال می‌شود که دولت برای افزایش دستمزدها و تقویت حمایت‌های نقدی با محدودیت‌هایی روبه‌رو است. به همین دلیل، استفاده از راهکارهای مکمل برای بهبود معیشت اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

تثبیت قیمت بخشی از کالاهای پرمصرف، اگر با تامین مستمر، توزیع منظم و نظارت موثر همراه باشد، می‌تواند فشار ناشی از تورم را تا حدی از دوش خانوارها بردارد. در سال‌های گذشته، ضرورت توزیع کالابرگ بارها مطرح شده است. این ایده تنها به حذف ارز ترجیحی یا تصمیم‌های اقتصادی دوره‌های اخیر محدود نمی‌شود؛ پیش از آن نیز این نیاز وجود داشت که کالاهای اساسی به‌طور مستقیم در اختیار خانوارهای کم‌درآمد قرار گیرد تا در برابر افزایش قیمت‌ها آسیب کمتری ببینند.

با وخیم‌تر شدن شرایط اقتصادی و گسترش فشارهای معیشتی، اهمیت این حمایت بیشتر شده و امروز می‌توان گفت ضرورت آن از برخی دوره‌های دشوار گذشته نیز فراتر رفته است. در سال‌های نخست پس از انقلاب، نظام توزیع کوپنی بخشی از نیازهای مردم را تامین می‌کرد. اما ساختار زندگی و نیازهای خانوارها تغییر کرده است. بیش از ۷۰ درصد جمعیت کشور شهرنشین‌اند و هزینه‌های زندگی شهری با الگوهای معیشتی سنتی تفاوت زیادی دارد. در چنین شرایطی، دسترسی منظم و قابل اتکا به کالاهای اساسی، بیش از گذشته به یکی از نیازهای روزمره مردم تبدیل شده است.

از سوی دیگر، تجربه سیاست‌های نقدی نشان می‌دهد که افزایش دستمزدها و پرداخت یارانه به تنهایی نتوانسته‌اند قدرت خرید خانوار را متناسب با تورم حفظ کنند. طی دست‌کم دو دهه گذشته، میان سطح دستمزدها و هزینه‌های واقعی زندگی فاصله قابل توجهی ایجاد شده است؛ فاصله‌ای که کارگران، کارمندان و بازنشستگان هر روز آن را در هزینه‌های خوراک، مسکن و دیگر نیازهای ضروری احساس می‌کنند. یارانه‌های نقدی نیز با توجه به تغییر سطح قیمت‌ها، دیگر اثر گذاری گذشته را ندارند و برای بسیاری از خانواده‌ها پاسخگوی نیازهای اساسی نیستند.

در این میان، مردم بیش از گذشته خواهان حمایت‌هایی هستند که اثر آن را به‌طور مستقیم در سبد مصرفی خود ببینند. دسترسی به کالاهای ضروری با قیمت قابل پیش‌بینی، علاوه بر کمک به حفظ معیشت، می‌تواند در تامین سلامت خانواده نیز موثر باشد. از این رو، دولت باید تضمین معیشت مردم را در شمار وظایف اولویت‌دار خود قرار دهد.

اگر حمایت‌ها متناسب با ابعاد مشکلات نباشد، سیاست‌های اقتصادی دولت نیز در زندگی روزمره مردم کم‌اثر خواهد شد. دولت در ماه‌های گذشته برای افزایش اعتبار کالابرگ تلاش کرده، اما بنا بر آنچه مطرح شده، محدودیت‌های مالی مانع از افزایش قابل توجه این اعتبار شده است.

درباره افزایش احتمالی حمایت برای سه دهک نیز هنوز رقم قطعی اعلام نشده است. با این حال، اگر امکان افزایش کمک نقدی محدود باشد، می‌توان با تقویت روش‌های دیگر، از جمله تثبیت قیمت و توزیع مستقیم کالا، بخشی از این کمبود را جبران کرد. تجربه مراکز میوه و تربار شهرداری تهران نشان می‌دهد که عرضه مستقیم کالا می‌تواند برای مصرف‌کننده مزیت قیمتی ایجاد کند.

در برخی از این مراکز، قیمت کالاها پایین‌تر از بازار است و توسعه این ظرفیت به کالاهای اساسی و شهرهای دیگر می‌تواند به خانوارها کمک کند. گسترش طرح تثبیت قیمت از تهران به دیگر مناطق، در صورت تامین منابع و تنظیم درست زنجیره توزیع، اقدامی مهم و قابل توجه خواهد بود.

البته موفقیت این سیاست صرفا به اعلام قیمت ثابت وابسته نیست. دولت باید تامین مستمر کالاها را تضمین کند، سهمیه‌بندی را دقیق و متناسب با نیاز خانوارها انجام دهد و بر قیمت و نحوه توزیع نظارت داشته باشد. دسترسی آسان، جلوگیری از کمبود و مقابله با خروج کالا از شبکه عرضه نیز از الزامات اجرای موفق طرح است.

اگر کالا به اندازه کافی در دسترس مردم قرار نگیرد، تثبیت قیمت روی کاغذ نمی‌تواند اثر واقعی بر سفره خانوار داشته باشد. در شرایطی که چشم‌انداز پایان محدودیت‌ها و تنش‌های اقتصادی روشن نیست و تامین کالاهای اساسی ممکن است با تنگناهایی روبه‌رو شود، برنامه‌ریزی برای مدیریت ذخایر، توزیع و حمایت از مصرف‌کننده ضرورتی جدی دارد. ادامه در صفحه ۳

جهش هزینه حمل از ۳ به ۱۳ هزار دلار
لجستیک ایران در تله گلوگاه‌ها

وقتی هر روز توقف ۱۷۰ دلار آب می‌خورد

وقتی هزینه جابه‌جایی یک کالا در فاصله‌ای کوتاه از حدود ۳ هزار دلار به ۱۳ هزار دلار می‌رسد و کامیون برای هر روز توقف در مرز ۱۵۰ تا ۱۷۰ دلار هزینه می‌دهد، مساله دیگر فقط «گرانی حمل‌ونقل» نیست؛ اقتصاد ایران با صورت‌حساب سنگین ناکارآمدی لجستیکی مواجه است. در شرایطی که اختلال در مسیرهای دریایی، فشار را به جاده و ریل منتقل کرده، گلوگاه‌های مرزی، صف‌های طولانی، اسناد کاغذی و کمبود ظرفیت مسیرهای جایگزین، مزیت هر کریدور جدید را پیش از... صفحه ۵ را بخوانید

رانندگان تاکسی اینترنتی
کارگرانی که سهم‌شان
از امنیت اجتماعی کوچک مانده است

پشت فرمان اقتصاد پلتفرمی

گلی ماندگار | اقتصاد پلتفرمی در ایران بزرگ‌تر شده، اما بخش مهمی از هزینه‌های آن همچنان بر دوش رانندگانی است که نه از امنیت شغلی برخوردارند و نه سهم مشخصی از بیمه و حمایت‌های اجتماعی دارند. «رییس خودت باش»؛ این شاید یکی از جذاب‌ترین شعارهایی باشد که در سال‌های گذشته برای جذب نیروی کار به اقتصاد پلتفرمی استفاده شده است. انعطاف در ساعت کار، امکان انتخاب زمان فعالیت و وعده درآمد مستقل، تصویری از یک شغل آزاد و مدرن به راننده تاکسی اینترنتی ارایه می‌کند؛ اما پشت این تصویر، واقعیتی وجود دارد که با مفهوم «کار مستقل» فاصله زیادی دارد. راننده برای فعالیت، خودرو، سوخت، لاستیک، روغن، تعمیرات، استهلاک و حتی ریسک تصادف را خودش می‌پردازد. پلتفرم در ازای هر سفر سهم خود را دریافت می‌کند و در نهایت، بخش اصلی ریسک اقتصادی فعالیت بر عهده کسی قرار می‌گیرد که پشت... صفحه ۸ را بخوانید



گزارش «تعادل» از ریشه‌یابی خسارت‌های پنهان استخراج غیرمجاز رمزارز

قربانیان خاموش طلای مجازی

۳

یادداشت-۲

مساله اقتصاد دانش‌بنیان فقط سرمایه نیست



افشین کلاهی

اقتصاد دانش‌بنیان در یک سال گذشته در شرایطی فعالیت کرده که مجموعه‌ای از محدودیت‌ها و نااطمینانی‌ها به‌طور همزمان بر کسب‌وکارها فشار وارد کرده است. جنگ، اختلال و محدودیت اینترنت، نوسانات ارزی، دشواری تامین مالی، مسائل مالیاتی و بیمه‌ای، محدودیت‌های صادراتی و کاهش تقاضا، فضای فعالیت شرکت‌های دانش‌بنیان را تحت تاثیر قرار داده است. در چنین شرایطی، مساله اصلی بسیاری از این شرکت‌ها دیگر توسعه و بزرگ‌تر شدن نبوده، بلکه حفظ حیات کسب‌وکار و جلوگیری از آسیب دیدن سرمایه انسانی و تخصصی آنها بوده است.

این تغییر اولویت، نشان‌دهنده عمق فشاری است که بر اقتصاد نوآوری وارد شده است. شرکت‌های دانش‌بنیان برای رشد به سرمایه، بازار و زیرساخت نیاز دارند، اما سرمایه اصلی بسیاری از آنها نیروی انسانی متخصص و دانش انباشته شده است. بنابراین هر عاملی که استمرار فعالیت شرکت را تهدید کند، می‌تواند در نهایت به از دست رفتن بخشی از این سرمایه منجر شود.

یکی از مسائل جدی در این دوره، اختلال و محدودیت اینترنت بوده است. برای بسیاری از شرکت‌های دانش‌بنیان، اینترنت صرفا یک ابزار ارتباطی نیست، بلکه بخشی از زیرساخت اصلی فعالیت اقتصادی آنهاست. از همین رو، اختلال در دسترسی به اینترنت می‌تواند مستقیما بر فروش، ارتباط با مشتریان، ارایه خدمات و حتی استمرار فعالیت شرکت‌ها اثر بگذارد.

در همین راستا، موضوع خسارت‌های ناشی از قطعی و اختلال اینترنت و همچنین ایجاد دسترسی پایدار برای کسب‌وکارها از سوی بخش خصوصی پیگیری شده است. بخشی از این موضوع از طریق اتاق ایران، دولت و مجلس دنبال شد و حتی امکان دسترسی محدود به اینترنت برای اعضای اتاق نیز مورد پیگیری قرار گرفت. با این حال، جبران خسارت شرکت‌ها بابت اختلال اینترنت همچنان از مطالبات جدی بخش خصوصی است و در این زمینه هنوز نتیجه مطلوب حاصل نشده است.

در کنار مساله اینترنت، جنگ نیز به برخی شرکت‌های دانش‌بنیان آسیب مستقیم وارد کرده است. با همکاری فدراسیون تشکل‌های دانش‌بنیان و اتاق تهران، شرکت‌هایی که مستقیما از جنگ آسیب دیده بودند، شناسایی شدند، میزان خسارت آنها بر آورد و به معاونت علمی ارایه و بخشی از این خسارت‌ها نیز جبران شد. با این حال، مشکلات شرکت‌های دانش‌بنیان به خسارت مستقیم ناشی از جنگ محدود نمی‌شود. مسائل ارزی، تامین مالی، بیمه، مالیات و صادرات نیز در شرایطی که بنگاه‌ها با کاهش تقاضا و افزایش نااطمینانی مواجهند، فشار بیشتری بر آنها وارد می‌کند.

موضوع شرایط فورس‌ماژور در قراردادها و جلوگیری از تحمیل جرایم و تعهداتی که خارج از اختیار شرکت‌ها بوده نیز از جمله مسائلی است که نیازمند توجه سیاستگذاران است.

در چنین شرایطی، نقش نهادهای سیاستگذار تنها به دریافت مطالبات بخش خصوصی محدود نمی‌شود. یکی از تلاش‌ها این بوده است که کمیسیون کسب‌وکارهای نوین و دانش‌بنیان از یک نهاد صرفا مطالبه‌گر به نهادی تبدیل شود که در حل مسائل و سیاستگذاری نیز نقش داشته باشد. فعال شدن کارگروه‌های تخصصی و شورای سیاستگذاری صادرات دانش‌بنیان و مشارکت در بررسی سیاست‌های صنایع خلاق و تدوین و اصلاح مقررات اقتصاد دانش‌بنیان، بخشی از این مسیر است.

با این حال، همچنان میان تصمیم‌هایی که در نهادهای سیاستگذار گرفته می‌شود و اجرای آنها در دستگاه‌های اجرایی فاصله وجود دارد. همین فاصله می‌تواند یکی از موانع مهم در مسیر بهبود محیط کسب‌وکار باشد، زیرا حتی تصمیم درست نیز زمانی می‌تواند اثر خود را نشان دهد که در مرحله اجرا با مانع و تفسیرهای متناقض مواجه نشود.

برای شرکت‌های دانش‌بنیان، شاید یکی از مهم‌ترین مسائل امروز، بی‌ثباتی محیط کسب‌وکار باشد. شرکت‌ها ممکن است تا حدی بتوانند با کمبود سرمایه یا حتی برخی محدودیت‌های ناشی از تحریم سازگار شوند، اما کنار آمدن با تغییرات مداوم و غیرقابل پیش‌بینی در اینترنت، مقررات ارزی و تجاری، سیاست‌های مالیاتی، قیمت‌گذاری و مقررات فعالیت بسیار دشوارتر است.

اهمیت این موضوع در اقتصاد دانش‌بنیان بیشتر است، زیرا سرمایه اصلی این شرکت‌ها نیروی انسانی و دانش است و بخش قابل توجهی از سرمایه‌گذاری آنها نیز ماهیت بلندمدت دارد. وقتی یک کسب‌وکار نتواند درباره شرایط فعالیت خود در ماه‌ها و سال‌های آینده تصویر روشنی داشته باشد، تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری بلندمدت دشوار می‌شود.

افزایش نااطمینانی در چنین شرایطی می‌تواند به کاهش سرمایه‌گذاری و حتی خروج سرمایه و نیروی انسانی منجر شود. از این منظر، ایجاد یک محیط کسب‌وکار باثبات و قابل پیش‌بینی، برای اقتصاد دانش‌بنیان صرفا یک مطالبه عمومی نیست، بلکه یکی از پیش‌شرط‌های حفظ سرمایه انسانی و تخصصی کشور است.

دسترسی آزاد، پایدار و باکیفیت به اینترنت، پرهیز از مقررات ناگهانی و موردی و کاهش موانع ارزی، صادراتی، بیمه‌ای و مالیاتی از جمله اقداماتی است که می‌تواند به کاهش این نااطمینانی کمک کند. در کنار آن، بخش خصوصی نیز باید پیش از تصویب مقررات جدید در فرآیند تصمیم‌گیری حضور داشته باشد تا آثار تصمیمات بر کسب‌وکارها از ابتدا مورد توجه قرار گیرد.

یادداشت-۳

هجوم به هشت میلیون واحد



علی فراقی

همان‌طور که مدتی قبل مشاهده کردیم، بازار بورس پس از شکست ناحیه ۷ میلیون واحدی توانست حرکت صعودی خود را ادامه دهد و در ادامه، با رسیدن به محدوده ۷ میلیون و ۶۰۰ هزار واحد، وارد یک اصلاح نسبی شد. این اصلاح تا محدوده ۷ میلیون و ۱۵۰ هزار واحد ادامه پیدا کرد و پس از آن، مجددا شاهد بازگشت تقاضا و شکل‌گیری موج صعودی جدید در بازار بودیم. باتوجه به رفتار قیمت در آن مقطع و همچنین برخی نشانه‌های معاملاتی، این احتمال وجود داشت که بازار پس از رشد مجدد و رسیدن به محدوده ۸ میلیون واحد، با ایجاد ضعف موقت در قدرت خریداران، بار دیگر وارد یک اصلاح نسبی شود و پس از آن بتواند با قدرت بیشتری از این محدوده عبور کند.

اکنون بخش مهمی از این سناریو در حال تحقق است؛ با این تفاوت که بازار در بازه‌ای بسیار کوتاه‌تر از مرحله قبل توانسته بخش عمده‌ای از قدرت خود را بازیابی کند. ثبت اعداد و ارزش معاملات نسبتا مطلوب و همچنین حفظ ساختار صعودی در بخش قابل توجهی از بازار، این احتمال را تقویت می‌کند که شاخص بتواند طی حداکثر یک تا دو روز کاری آینده به محدوده ۸ میلیون واحد نفوذ کند.

در صورت ورود شاخص به این محدوده، طبیعی است که در ابتدا شاهد افزایش حساسیت معامله‌گران باشیم؛ بنابراین حتی در صورت عبور از ۸ میلیون واحد نیز احتمال شکل‌گیری یک استراحت کوتاه‌مدت، چه از نظر قیمتی و چه از نظر زمانی، وجود خواهد داشت. چنین اصلاحی لزوما به معنای پایان روند صعودی نیست، بلکه می‌تواند فرصتی برای تجدید قوا و ایجاد ساختار مناسب‌تر برای ادامه حرکت باشد.

یکی از نکات قابل توجه بازار در روزهای گذشته، واکنش قیمت به لبه‌های حساس قیمتی بود؛ محدوده‌هایی که عملا در فرآیند معاملات، نقش مرز میان از دست رفتن حمایت‌ها یا بازگشت از مقاومت‌ها را ایفا می‌کردند. در جریان معاملات روز سه‌شنبه ۱۴ مهر ماه، رفتار بازار در برخی از این نقاط نشان داد که این لبه‌های حساس می‌توانند محل شکل‌گیری بازگشت‌های مهم باشند. البته طبیعتا در چنین شرایطی بخشی از معامله‌گران ممکن است به دلیل شکست موقت برخی حمایت‌ها یا واکنش قیمت به مقاومت‌ها، حد ضررهای خود را فعال کرده باشند.

در چنین بازاری، یکی از منطقی‌ترین روش‌ها برای حفظ سرمایه و کاهش ریسک، استفاده از ورود و خروج پله‌ای است. به این معنا که معامله‌گر به‌جای تصمیم‌گیری صفر و صدی، در مواجهه با شکست یک حمایت یا بازگشت از یک مقاومت، بخشی از موقعیت خود را مدیریت کند و همزمان امکان حضور در ادامه روند را نیز برای خود حفظ نماید.

به بیان دیگر، شکست یک حمایت می‌تواند سیگنال خروج بخشی از سرمایه باشد، نه الزاما خروج کامل از بازار. همین رویکرد می‌تواند در زمان بازگشت مجدد قیمت به بالای حمایت‌ها یا عبور از مقاومت‌های شکل گرفته نیز مورد استفاده قرار گیرد.

اکنون با توجه به حفظ برخی نواحی حمایتی، بازگشت قیمت از این محدوده‌ها و در بعضی نمادها عبور مجدد از مقاومت‌های ایجاد شده، مجددا می‌توان شاهد فعال شدن نقاط ورود برای بخشی از سرمایه بود؛ البته با رعایت اصول مدیریت سرمایه و متناسب با میزان ریسک‌پذیری هر معامله‌گر.

در بخش دیگری از بازار، باید به یکی از پارامترهای مهم یعنی نشانه‌های حفظ بخشی از نقدینگی هوشمند و شکل‌گیری برخی حمایت‌های دستوری یا مداخله‌ای نیز توجه داشت. به نظر می‌رسد مجموعه‌ای از عوامل تلاش دارند جذابیت بازار را حفظ کرده و از خروج گسترده نقدینگی جلوگیری کنند. این موضوع در شرایطی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که بازارهای موازی نیز با التهاب و افزایش تقاضا مواجه هستند.

در چنین شرایطی، حفظ نسبی جذابیت بورس می‌تواند تا حدودی از انتقال شدید نقدینگی به سایر بازارها جلوگیری کند. از سوی دیگر، برخی رفتارهای مداخله‌گرانه سیاستگذاران در بازار نیز می‌تواند در کوتاه‌مدت به کنترل التهاب و جلوگیری از شکل‌گیری رفتارهای هیجانی کمک کند. البته باید توجه داشت که چنین اقداماتی، حتی در صورت موفقیت، عمدتا ماهیتی کوتاه‌مدت و مقطعی دارند و نمی‌توانند به تنهایی تغییرات بنیادی اقتصاد را متوقف کنند.

در واقع ممکن است در کوتاه‌مدت شاهد کنترل نوسانات و ایجاد آرامش نسبی باشیم، اما در صورت تداوم شرایط اقتصادی موجود، فشارهای تورمی و کاهش ارزش پول ملی همچنان خود را در قیمت دارایی‌ها نشان خواهند داد. در نهایت باید به نکته‌ای مهم اشاره کرد: اصلاح قیمت در هر یک از بازارها، بخش جدایی‌ناپذیر حرکت آن بازار است.

اصلاح لزوما به معنای تغییر روند نیست. در بسیاری از مواقع، اصلاح‌ها صرفا باعث می‌شوند قیمت‌ها به محدوده‌هایی بازگردند که امکان ورود مجدد سرمایه در آنها با نسبت ریسک به بازده مناسب‌تری فراهم شود؛ بنابراین نباید هر اصلاح قیمتی را به عنوان نشانه‌ای از پایان روند صعودی تلقی کرد.

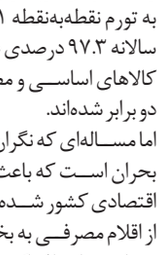
باتوجه به ساختار اقتصادی موجود، شرایط تورمی و مهم‌تر از همه کاهش مستمر ارزش ریال، انتظار ثبت اعداد اسمی بالاتر در بسیاری از بازارهای دارایی موضوعی دور از ذهن نیست. البته مسیر رسیدن به این اعداد الزاما مستقیم و بدون اصلاح نخواهد بود، بلکه می‌تواند با ترکیبی از رشد، اصلاح، استراحت زمانی و سپس شکل‌گیری سقف‌های جدید همراه باشد.

از همین منظر، محدوده ۸ میلیون واحد را باید نه صرفا به عنوان یک عدد، بلکه به عنوان یک ناحیه روانی و تکنیکال مهم در نظر گرفت. واکنش بازار به این محدوده، میزان قدرت تقاضا و نحوه تثبیت قیمت بالای آن، می‌تواند اطلاعات مهمی درباره مرحله بعدی حرکت بازار در اختیار ما قرار دهد.

در مجموع، مادامی که ساختار حمایتی بازار حفظ شود و نقدینگی از بخش‌های اصلی بازار خارج نشود، سناریوی حرکت به سمت ۸ میلیون واحد همچنان از اعتبار مناسبی برخوردار است؛ اما نحوه رفتار بازار در این محدوده تعیین خواهد کرد که با یک توقف و استراحت موقت مواجه هستیم یا آغاز مرحله‌ای جدید از حرکت صعودی.

یادداشت-۴

افول آخرین خاکریزهای معیشت مردم



علی حیات‌نیا

آمار رسمی شهریور ۱۴۰۵ با ثبت رکوردهایی نگران‌کننده به پایان رسید و عبور تاریخی نرخ ارز از مرز ۲۷۰ هزار تومان در روزهای اخیر و گذار شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی بانک مرکزی از تراز ۸۰۰ نشانه‌ای روشن از ۸ برابر شدن سطح عمومی قیمت‌ها ظرف حدود پنج سال گذشته دارند. گزارش‌های رسمی نشان می‌دهد اقتصاد کشور از دالان مزمن تورم‌های ۴۰ درصدی کنده شده و با ثبت تورم دوازده ماهه ۶۸.۴ درصد و تورم نقطه به نقطه ۸۳.۸ درصد، وارد فاز جدیدی از فرسایش ساختاری شده است، پدیده‌ای که نمی‌توان آن را نوسانی گذرا نامید، بلکه در حقیقت یک جابه‌جایی هشداردهنده پارادایمی در ارتفاع تورم کشور به شمار می‌رود. ریشه‌های این شوک تازه را باید در تکانه‌های ارزی زمستان ۱۴۰۴ و بهار ۱۴۰۵ جست‌وجو کرد. در حقیقت با رشد دلار به فراتر از کانال ۲۷۰ هزار تومانی، لنگر اسمی انتظارات تورمی به‌کلی از جا کنده شد.

بهمن ماه سال قبل با جهش ماهانه ۸.۴ درصدی شاخص کل و رشد ۱۴.۷ درصدی بهای خوراکی‌ها، زنگ‌های خطر به صدا درآمد و با آغاز سال ۱۴۰۵، انتقال شتابان دلار به بهای تمام شده تولید و زنجیره تامین، سه ماه پیاپی تورم ماهانه ۷ تا ۸.۵ درصدی را رقم زد. در فروردین و اردیبهشت، تورم ماهانه بخش کالا به سطوح کم سابقه ۹.۵ درصد و ۱۰ درصد رسید و این اثر پذیری اقلام مبادله‌پذیر در نهایت به تورم نقطه‌به‌نقطه ۱۱۸.۱ درصدی کالاها و تورم سالانه ۹۷.۳ درصدی در شهریور منتهی شد، یعنی کالاهای اساسی و مصرفی ظرف یک‌سال بیش از دو برابر شده‌اند.

اما مساله‌ای که نگران‌کننده‌تر است، موج دوم این بحران است که باعث افزایش نوسانات در اتمسفر اقتصادی کشور شده است، سرایت افزایش نرخ ارز از اقلام مصرفی به بخش خدمات، به گونه‌ای که در تابستان با اندکی فروکش کردن تب و تاب بازار ارز، تورم ماهانه کالا به محدوده ۲.۶ تا ۳.۳ درصد بازگشت، اما بخش خدمات رفتار معکوسی در پیش گرفت. تورم ماهانه خدمات که در زمستان سال قبل زیر ۲ درصد بود، از اردیبهشت در کانال‌های ۴.۶ تا ۶.۴ درصد تثبیت شد و در شهریور با ۴.۶ درصد حتی از کالا سبقت گرفت.

این چرخش یعنی شکسته‌شدن چسبندگی خدمات و ورود به دور دوم تورم و افزایش دستمزدها، هزینه‌های حمل و نقل و تعرفه‌ها به موتور محرک خودافزا تبدیل شده و هسته سختی از تورم را شکل می‌دهند. ابعاد واقعی فاجعه در حوزه معیشت و بقای روزمره جامعه رخ می‌نماید و آن سقوط قدرت خرید حقوق‌بگیران، کارگران و بازنشستگان با سرعتی غیرقابل جبران ذوب می‌شود. امروز دو گروه مسکن و انرژی با سهم ۳۷.۶ درصد و خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها، با ضریب ۳۲.۵ درصد، در مجموع بیش از ۷۰ درصد از سبد هزینه خانوار را این گونه می‌بلعند. ادامه در صفحه ۳